



خلبان خدمات کشاورزی از سم پاشی تا آتش نشانی با هواپیما خاطره دارد

پرواز بر فراز مزارع ایران

۳



رنگ عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

آذین بندی معابر منتهی به حرم مطهر

شهردار منطقه ثامن از فضاآرایی ویژه معابر منتهی به حرم مطهر رضوی به مناسبت اعیاد شعبانیه خبر داد. حسین عبدا...زاده با تأکید بر اهمیت برگزاری باشکوه جشن های شعبان و نمود پررنگ آن در مسیر زائران حرم رضوی بیان کرد: در این راستا حدود پانصد پرچم بیرقی رنگی در مسیرهای بی آر تی ورودی به بارگاه رضوی نصب شده است. علاوه بر این، بیش از ۲۰ هزار متر پنبه رنگی بامتن تبریک اعیاد شعبانیه در معابر منتهی به حرم مطهر آویخته شده است. شهردار منطقه ثامن افزود: نوزده عدد سازه ۳ در ۶ متر با اسامی و القاب ائمه معصوم (ع) و تولد های ماه مبارک شعبان در معابر اطراف حرم مطهر رضوی نصب شده است.



شهر خبر



۳ سردرگمی اهالی پایین خیابان به خاطر تغییرهای نیمه کاره در خیابان وحدت وقتی تابلو راهنما اشتباه راهنمایی می کند

۲ حفاری های بازارچه شهید آستانه پرست در مهلت مقرر به پایان رسید خیز شهرداری برای اجرای گذر تشرف

سردرگمی اهالی پایین خیابان به خاطر تغییرهای نیمه‌کاره در خیابان وحدت

وقتی تابلو راهنما اشتباه راهنمایی می‌کند

هم قدم

● تغییر به نفع کوچه‌های قبل از چهارراه

زهراسیوچی، ساکن وحدت ۹ که قبل از تغییر شماره‌ها وحدت ۳۱ بود، می‌گوید: برای نشانی دادن خیلی مشکل داشتیم؛ چون مردم فکرمی‌کردند ۳۱ داخل وحدت ۳ است، اما این طور نبود و باید یک کوچه بالاتر می‌آمدند. ولی این اصلاح شماره‌های نشانی دادن را برای ما راحت کرد.

وقتی درباره تابلو راهنمای چهارراه از او می‌پرسیم، می‌گوید: برای ما که قبل از چهارراه هستیم شماره‌ها مشکلی ندارد ولی برای افرادی که بعد از چهارراه هستند، قطعاً گمراه‌کننده است.

● اصلاحات به زودی تکمیل می‌شود

رئیس اداره نام‌گذاری معابر و تابلونویسی درباره اصلاح شماره‌های خیابان وحدت می‌گوید: این تغییرات به درخواست مردم و برای تسهیل نشانی‌یابی بود که با توجه به قدیمی بودن محله، شماره‌های قدیمی را نیز در کنار تابلو بارنگ خوانا مشخص کردیم.

ناهید فریدنیا ادامه می‌دهد: اصلاحات تکمیل شده است و فقط تابلو سفیدرنگ روی چراغ راهنمایی مانده که مربوط به اداره ترافیک است. ظرف مدت یک هفته به اداره ترافیک نامه می‌زنیم تا هرچه سریع‌تر این اصلاح انجام شود و زائران نوروزی با مشکل روبه‌رو نشوند.

حالا که تغییر داده‌اند، کارشان را کامل کنند تا مردم سردرگم نشوند. محسن صمدی با اشاره به زائری‌بودن محله ادامه می‌دهد: کار خوبی که کرده‌اند، این است که زیر تابلوها شماره‌های قبلی را خیلی کوچک نوشته‌اند تا مردم بتوانند با نشانی‌های قبلی، مسیرشان را پیدا کنند اما زائری که با محله آشنا نیست و نمی‌داند این شماره‌های قدیمی زیر تابلوها برای چیست با خواندن تابلو راهنمای سر چهارراه دنبال نشانی می‌گردد. تابلومی‌گوید که از وحدت ۹ به بعد باید به راست بپیچید ولی با پیچیدن به سمت راست، تازه متوجه می‌شود که مسیر را اشتباه آمده است. بعد برای برگشتن باید تا میدان عدالت بالا برود چون در این بولوار دور برگردان نداریم.

نجمه موسوی کاهانی از تابستان امسال بود که شماره‌گذاری تابلوهای خیابان وحدت اصلاح شد و با برداشتن ممیزها، پیدا کردن نشانی برای افرادی که با محله پایین خیابان ناآشنا بودند، بدون پرس و جوهای بسیار امکان پذیر شد. اما تکمیل فرایند اصلاح تابلوها در بعضی قسمت‌ها هنوز انجام نشده است؛ مانند تابلو سفیدرنگی که بالای چراغ راهنمایی و رانندگی تقاطع بولوار امیرالمؤمنین^(ع) و خیابان وحدت نصب شده است و روی آن اعدادی نوشته شده که نشان می‌دهد کدام شماره‌های خیابان وحدت در سمت چپ و کدام شماره‌ها در سمت راست قرار گرفته‌اند.

● اصلاح شماره‌ها را کامل کنند

محمد قانع، یکی از کسبه خیابان وحدت، درباره تابلو راهنمای چهارراه می‌گوید: قبل از تغییر شماره‌ها، خیابان‌های وحدت ۱ تا ۹ قبل از تقاطع امیرالمؤمنین^(ع) و ۹ تا ۲۷ بعد از تقاطع بود. با اصلاحات فعلی، تا وحدت ۱۷ قبل از تقاطع قرار گرفته است اما تابلوها همچنان همان شماره‌های قبلی را نشان می‌دهد.

یکی از ساکنان بولوار وحدت ۱۹ که قبلاً شماره ۱۳ بوده است، می‌گوید: اصلاً نباید شماره‌های این خیابان را تغییر می‌دادند؛ چون قدیمی‌ها به همان شماره‌های قبل عادت کرده بودند اما



حفاری‌های بازارچه شهید آستانه‌پرست در مهلت مقرر به پایان رسید

خیز شهرداری برای اجرای گذر تشریف

باز خورد



از سوی شهرداری، مشغول تکمیل عملیات لوله‌کشی خود هستند. در بازدید میدانی متوجه شدیم طبق وعده داده شده، حفاری‌ها در مدت یک هفته به پایان رسیده است و اکنون تردد در بازارچه به آسانی انجام می‌شود. با پایان بموقع این عملیات، کسبه درباره اجرای گذر تشریف در زمان کوتاه‌تر خوش‌بین هستند و احساس می‌کنند نگرانی‌های آن‌ها بابت کسب و کارشان، به خصوص در زمان اوج حضور زائر، برای مدیران شهری قابل درک است.

موسوی در گزارشی که بیست و نهم آبان از حفاری‌های بازارچه شهید آستانه‌پرست تهیه کردیم، گفتیم کسبه از طولانی شدن پروژه‌های عمرانی نگران هستند که مبادا به کسب و کارشان لطمه‌ای بزند. رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه با تأکید بر اینکه این بازارچه یکی از گذرهای تشریف است و به زودی پروژه سنگ‌فرش آن انجام خواهد شد، اعلام کرد که این حفاری‌ها مربوط به شرکت‌های خدمات رسان مانند آب و گاز است که در مهلت اعلام شده

خبرنگاران شهرآرا از پروژه توسعه فضاهای مسقف حرم رضوی بازدید کردند

ساخت ۲ رواق جدید

عیدگاه



در حرم مطهر رضوی است. در همین راستا پروژه ۴۳ هزار مترمربعی در سه طبقه اصلی و دو نیم طبقه در حال اجراست. طبقه منفی یک کاربری زیارتی و طبقه منفی ۲ کاربری بهشت‌ثامن دارد و در همکف، کتابخانه گوهرشاد و مسیرهای ارتباطی و یک حیاط روباز خواهد بود و اولین پشت‌بام زیارتی حرم با وسعت ۵ هزار مترمربع در اختیار زائران قرار خواهد گرفت.

نکته جالب در روند پروژه، جابه‌جایی یکی از مناره‌های صحن جمهوری با استفاده از ریل قطار است تا بخشی از این صحن، مسقف شود و رواق امیرالمؤمنین^(ع) نام گیرد. رواق امام حسین^(ع) نیز با وسعت ۱۰ هزار مترمربع، مجاور این رواق و زیربست شیخ بهایی به صورت زیرساختی در حال ساخت است.

پس از رواق‌ها که هنرمندان برجسته‌ای از نقاط مختلف کشور در آن مشغول به کارند، وارد بهشت‌ثامن می‌شویم؛ فضایی ساده

موسوی اقرارمان از چای‌خانه صحن غدیر شروع شد. در یکی از روزهای سرد زمستان که زائران کمی حضور دارند و بهترین زمان برای پیش‌بردن پروژه‌های عمرانی است. طبق قرار که با مسئولان اجرایی پروژه‌های توسعه حرم مطهر رضوی داشتیم، با گروهی از خبرنگاران شهرآرا در بازدیدی نیم‌روزه، روند ساخت رواق امام حسین^(ع) و رواق امیرالمؤمنین^(ع) را مشاهده کردیم. آگاه‌سازی مردم از تلاش‌های بی‌وقفه خادمان از طریق رسانه، یکی از اهداف این بازدید بود.

● ۲ رواق در مجاورت هم

ورودی پروژه‌های توسعه، داخل صحن غدیر است و حسین محرابیان، نماینده کارفرما، توضیحات لازم را ارائه می‌دهد: «با توجه به ورود سالانه ۳۰ میلیون زائر، هدف، افزایش و توسعه فضاهای مسقف

که ساخت حدود ۱۸ هزار قبر در آن برآورد شده است و پس از آن نیز توضیحاتی درباره خدمت‌آستان باوقیفات مردم به میزان ۲،۹ همت ارائه می‌شود.

آموزش خلبانی برای پشتیبانی از جنگ

با آغاز جنگ، فعالیت های جهاد سازندگی شکل دیگری گرفت. جمع آوری کمک های مردمی و پشتیبانی از نیروهای درگیر جنگ، به تدریج او را وارد حوزه ای کرد که بعدها با عنوان «پشتیبانی جنگ» شناخته شد. عبدی با یادآوری آن روزهای گویید: حملات شیمیایی عراق، به ویژه در مناطق مرزی، نگرانی جدیدی به وجود آورده بود. موضوع استفاده از هواپیما برای مقابله مطرح شد. اما هواپیما، خلبان می خواست. برای همین جهاد سازندگی از نیروهای خودش، افرادی را برای آموزش خلبانی انتخاب کرد. به خاطر قد بلند و سابقه فعالیت های میدانی، من هم از استان خراسان انتخاب شدم. بعد از مصاحبه و آزمون زبان انگلیسی، افراد منتخب که حدود چهارصد نفر بودند به تهران معرفی شدند. عبدی ادامه می دهد: از جمع چند صد نفره ما، ۲۵ نفر باقی ماندند که مجوز ورود به دوره آموزش خلبانی را گرفتند. ما برای آموزش به پایگاه هوایی قلعه مرغی تهران رفتیم. رفته رفته نیروی آموزش دیده داشتیم، ولی هواپیمای تخصصی مقابله با عملیات شیمیایی نداشتیم. به همین دلیل جهاد سازندگی سراغ هواپیماهای سبک رفت. شبیه گلایدر بود، ولی موتوردار. به گفته عبدی در این دوره، بیشتر پروازها به شکل خودآموز تجربی پیش می رفت: «تمرین ها و پروازهای آموزشی، جمعی انجام می شد؛ یعنی ما با کمترین پشتیبانی رسمی، همه فنون پرواز، ارتفاع گیری، مهار هواپیما و کنترل در شرایط مختلف را تجربه می کردیم. بعدها فهمیدیم این تجربه ها، در آماده سازی ما برای مأموریت های حساس پشتیبانی جنگ نقش مؤثری داشته است. در مجموع آموزش تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت و جنگ هم تمام شد.»

شغل خاص در دوره خاص

بعد از جنگ، طرح ادغام دو وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی مطرح شد. هر دو مأموریت های مشترک در حوزه های کشاورزی، آب رسانی، برق رسانی و پشتیبانی جنگ داشتند. عبدی با بیان اینکه به طور رسمی به وزارت جهاد کشاورزی منتقل شدند، می گوید: سازمان هواپیمایی کشوری و شرکت های وابسته در جریان بودند که گروهی از بچه های جهاد، دوره های کامل خلبانی را گذرانده اند. در همان دوره بعضی از دوستان، جذب شرکت های هواپیمایی شدند. حتی خود من هم دعوت شدم، ولی به دلایل اخلاقی منصرف شدم. همین ايام، بخشی راه اندازی شده به نام «هواپیمایی خدمات ویژه»، جهاد کشاورزی، هواپیماهایی داشت که در عملیات سم پاشی و خدمات کشاورزی در دنیا رایج اند. دوباره لازم بود دوره تخصصی خلبانی کشاورزی را بگذرانیم. این دوره را حدود سه ماه در لهستان طی کردیم. عبدی ادامه می دهد: از سال ۶۸، به طور رسمی وارد فاز عملیاتی شدیم و مأموریت های سم پاشی هوایی را آغاز کردیم. تفاوت ما با خلبانان جنگنده در ارتفاع پرواز بود. خلبان سم پاشی باید در ارتفاعی بسیار پایین، مثلاً پنج متر بالاتر از محصول، پرواز کند. این نوع پرواز، بستگی به باد، شیب زمین، وجود تپه ها، درختان، ساختمان ها، و دکل ها و سیم های برق دارد. او که دوباره هم در اطفای حریق ارتفاعات مینودشت و جنگل دشت حضور داشته است، اضافه می کند: شغلان خیلی خاص بود. ما باید می دانستیم در چه لحظه ای سم را قطع کنیم تا به زمین های مجاور آسیب نرسد یا طوری کار کنیم که ارتفاع و سرعت و سم پاشی هماهنگ باشد.

بهترین نتیجه در دنیا

حدود سال ۸۷ موضوعی زیست محیطی فراگیر می شود به نام «کشند سرخ»، که دریا را حسابی به خطر می اندازد. این آلودگی وقتی وارد آب می شد، شرايطی ایجاد می کرد که نور خورشید به عمق دریا نمی رسید. در نتیجه جلبک هایی سبک تر از ذرات خاک، روی آب می ماندند و به سرعت تکثیر می شدند. عبدی تعریف می کند: این جلبک ها وارد آبشش ماهی ها می شد و تلفات زیادی به بار می آورد. خطر آن قدر جدی بود که تماس گرفتند و گفتند برای مقابله با کشند سرخ باید در یک مأموریت با هواپیما روی دریا، خاک پاشی کنید. مدتی بعد از آن مأموریت ها، و آزمون و خطاهایی که شد، مدیرکل شیلات گفته بود چند استاد و پروفیسور از آلمان، هلند و کره دعوت شده اند تا درباره کشند سرخ جلسه ای تخصصی برگزار کنند. عبدی و همکاران خلبانان کارهای فرودگاهی شان را انجام داده و آماده رفتن بودند که پیشنهاد شد آن ها هم در جلسه حضور داشته باشند. خودش آن روز را تعریف می کند: بالاپاس پرواز وارد سالن شدیم. هنوز جلسه شروع نشده بود که یکی از پروفیسورهای آلمانی با تعجب پرسید خلبان ها اینجا چه می کنند. به او گفتند این ها همان خلبان هایی هستند که با هواپیما روی دریا خاک می پاشند. آنجا بود که پروفیسور ساکت شد و بعد گفت کلاس تعطیل. نکته جالب اینکه آن روزها، اهمیت کاری که عبدی و همکارانش انجام می دادند هنوز برایشان روشن نبود. استاد مدعو در آن جلسه به آن ها می گوید در دنیا هنوز موفق به اجرای این مأموریت نشده اند. عبدی ادامه می دهد: او گفت حتی کشورهایی مثل آمریکا و کانادا و کان بزرگ هوایی یا آلمان با تجهیزات پیشرفته، نتوانسته اند این نتیجه را بگیرند. بعد هم برای همان استادان قایق گرفتند و به دریا رفتند. چند نقطه، نشانه گذاری شد و بعد از خاک پاشی هوایی، دوباره آزمایش گرفتند. نتیجه، به گفته خودشان، بهترین نتیجه ثبت شده در دنیا بود.

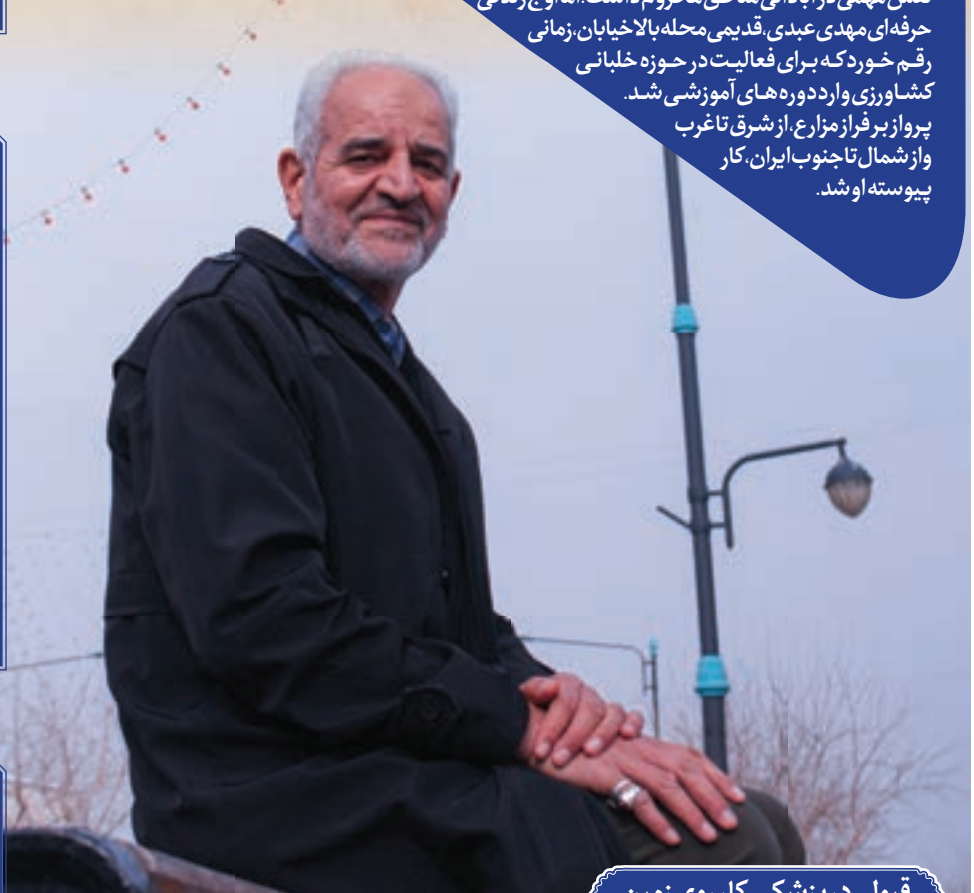
خلبان خدمات کشاورزی از سم پاشی تا آتش نشانی با هواپیما خاطره دارد

پرواز بر فراز مزارع ایران

سمیرا شاهیان از زندگی کاری اش بیشتر بر فراز زمین معنای پیدا کرده است: از پرواز با ارتفاع کم روی زمین های کشاورزی برای پاشیدن بذور و سم تا اطفای حریق هوایی جنگل ها. مهدی عبدی، خلبان کشاورزی، روایتی دارد از نسلی که مجبور بودند بین آرزوهای بزرگ، تحولات اجتماعی و سختی های معیشت، راه خودشان را پیدا کنند. عبدی در اوایل دهه ۵۰، دیپلمش در رشته تجربی را اخذ کرد. علاقه اش او را به سمت پزشکی کشاند و در دانشگاه مشهد پذیرفته شد. اما درست در زمانی که شور و شوق دانشگاه در وجودش موج می زد و قبولی اش می توانست سرنوشت او را به کلی تغییر دهد، باقی ولق شدن دانشگاه ها، مسیرش تغییر کرد.

هم زمان با تعطیلی دانشگاه ها، تحصیل او متوقف شد و از سر جبر شرایط و تمایزش به داشتن کار و درآمد، راهی مزرعه های فیض آباد شد. کار روی زمین کشاورزی برایش یک شغل موقت بود. از طلوع تا غروب آفتاب راروی زمین می گذراند. همین نزدیک بودن به روستا و کشاورزان، راه ورودش را به جهاد سازندگی باز کرد.

به تدریج جذب مجموعه ای شد که سال ها بعد، به واسطه آن، نقش مهمی در آبادانی مناطق محروم داشت. اما او جز زندگی حرفه ای مهدی عبدی، قدیمی محله بالاخیابان، زمانی رقم خورد که برای فعالیت در حوزه خلبانی کشاورزی وارد دوره های آموزشی شد. پرواز بر فراز مزارع، از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب ایران، کار پیوسته او شد.



قبولی در پزشکی، کار روی زمین

تعطیلی دانشگاه ها او را از کرسی پزشکی به تربت حیدریه کشاند. همراهی اش با یکی از اهالی قدیمی بالاخیابان، حاج آقا بختیاری، تجربه های خوبی برایش ساخت. عبدی می گوید: در آنجا حدود ۱۰ هکتار زمین بود که مشارکتی گندم کاری می کردیم. حاج آقا به دلیل فعالیت های سیاسی، تحت تعقیب ساواک بود؛ به همین دلیل آمده بود کشاورزی. کار روی زمین برایش پوششی برای ادامه فعالیت های سیاسی بود. شب ها، در همان زمین ها و کنار چاه موتور، با معلمان جلسه می گذاشت.

در همین دوره زندگی عبدی، کم کم راه شغل او باز شد. از آن روزها تعریف می کند: زندگی ساده ای داشتیم. از صبح تا شب کار روی زمین، بعد هم آشپزی در اتاق کوچکی که داشتیم. بعد از پیروزی انقلاب، حاج آقا رفتند، ولی من ماندم و ارتباطم با مردم حفظ شد.

با شکل گیری جهاد سازندگی و آغاز فعالیت شوراهای اسلامی در روستاها، نقش او پررنگ تر شد. به واسطه ارتباط های قبلی، از او دعوت شد در تشکیل شوراهای کمک کند: «ما به روستاها می رفتیم و برای مردم صحبت می کردیم. همین فعالیت ها باعث شد پیشنهاد کار در جهاد سازندگی را به من دادند. فکر می کنم شهریور سال ۱۳۶۰ بود که در جهاد سازندگی تربت حیدریه کارم را شروع کردم.»

بچه محل بالاخیابان

او وقتی از عوارض شغلش حرف می زد به مشکلات تنفسی اشاره می کند که سال ها پرواز در ارتفاع پایین برایش به جا گذاشته است. لایه لای گفت و گو از خانواده اش هم می گوید. دو پسر دارد: هر دو لیسانس برق گرفته اند. یکی از آن ها ورزشکار حرفه ای است. عبدی به شوخی می گوید: من و مادرشان ارث قدر ابرایشان گذاشتیم. پسر ۲ متر و ۲۰ سانت قد دارد و سرعتی زن تیم

والبال مس رفسنجان است.

داستان از دو اوجش هم از هم محله بودن با خانواده همسرش در بالاخیابان شکل گرفته است. بالبخند ادامه می دهد: پدر بزرگ خانم، حاج آقای بصیر، از شناخته شده های محل بود. همسایه پدرم بودند. خانم دانشگاه هنر اصفهان رشته دکوراسیون قبول شده بود؛ رشته ای که آن زمان برای

خیلی ها عجیب بود.

خانه پدری اش را در محله نشانمان می دهد که نزدیک مسجد و تکیه علی اکبری هاست. همان مسجدی که خودش، عضو هیئت امنای آنجاست و می گوید: مثل یک کارمند که هر روز باید در محل کارش باشد، من هم بدون تعطیلی، هر روز در مسجد هستم.



مجلات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان

زائر بیرجندی برای توفیق زیارت، توصیه مادرش را به خاطر سپرده است:

با آقا خدا حافظی نکن!



گنبد بارگاه



ماه دوباره به زیارت دعوت و سعادت دیدار این صحن و سرا نصیبش شده است. باخنده می‌گوید: در زیارت قبلی یادم مانده بود خدا حافظی نکنم!

شود: «وقتی متوجه شدم که قرار است قرعه به نام چند نفر برای زیارت مشهد بیفتد، باتمام وجودم آرزو کردم و از حضرت معصومه (س) خواستم یکی از زائران برادرشان، من باشم. از مدتی قبل از این، دلتنگی و آرزوی زیارت بی‌قرارم کرده بود.»
آن شب جشن و آن لحظه‌های نفس‌گیر قرعه‌کشی هیچ وقت از یادش نمی‌رود: «من یازدهمین نفر بودم که اسمم برای سفر مشهد اعلام شد. بعد از شش سال در خرداد ماه امسال آمدم زیارت.»

● سلام بده، خدا حافظی نکن

اولین خاطره‌ای که فاطمه خانم از مشهد آمدن در یاد دارد، به دوران کودکی مربوط می‌شود. وقتی که پس از سفر چند روزه، برای زیارت روز آخر با مادرش به حرم آمده بود و موقع خارج شدن از صحن با امام رضا (ع) خدا حافظی کرده بود: «بلند به امام رضا (ع) گفتم خدا حافظ! مادرم گفت هیچ وقت با امام رضا (ع) خدا حافظی نکن. همیشه سلام بده. حتی در لحظه آخر. الان با فاصله کم دوباره قسمت شد که همراه خانواده به زیارت بیاییم.»

به خانم اسماعیلی می‌گوییم خیلی خوشحالم که به فاصله چند

سکینه تاجی فاطمه خانم به همراه دوتا از نوجوان‌های فامیل که در یک سفر خانوادگی به مشهد آمده‌اند، به زیارت مشرف شده است. در چند قدمی سقاخانه روبه‌گنبد و گلدسته مشغول سلفی گرفتن از خودشان هستند که جلو می‌روم و پیشنهاد می‌دهم عکسی سه نفره از آن‌ها بگیرم. فاطمه خانم اسماعیلی از بیرجند آمده و به قول خودش این حال و هوای زمستانی مشهد خیلی حالش را جا آورده است: «امشب قراری برای حرم آمدن نداشتیم. با بچه‌ها قرار گذاشته بودیم بیاییم بیرون و دوری بزنیم که یهود لمان خواست زیر این باران در حرم باشیم! خیلی حس و حال خوبی بود. انگار این باران روح ما را شست و سر حالمان آورد. ماکویری‌ها بیشتر عشق می‌کنیم با این هوا.»

● یک هدیه خواهرانه بعد ۶ سال دوری

فاطمه خانم می‌گوید که تا خرداد ماه امسال به خاطر شرایط زندگی، شش سالی توفیق زیارت برایش فراهم نشده بود تا اینکه در شب ولادت حضرت معصومه (س) در جشنی حضور داشت که قرار بود چند هدیه سفر به مشهد مقدس به قید قرعه به شرکت‌کنندگان داده

روند احداث صحن چهارایوانی جمهوری اسلامی، از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۸ به طول انجامید

صحنی مجاور مسجد دودر

نجمه موسوی‌کاهانی اصحن جمهوری اسلامی چهارایوانی و یک طبقه است و به بستان‌های شیخ طوسی و شیخ بهایی و رواق‌های دارالولایه، دارالهدایه، دارالمرحمه و دارالقرآن راه دارد. بر فراز ایوان‌های شمالی (باب‌العلم) و ایوان جنوبی (باب‌الشهادت) دو مناره آراسته به طلا و کاشی با ارتفاع سی متر آفرایشته و در ایوان جنوبی، دو کتیبه به مناسبت حادثه خونین عاشورا ۱۳۷۳ بر سنگ مرمر سیاه نصب شده است. ایوان غربی، «باب‌الغدیر» و ایوان شرقی، «باب‌الولایه» نام دارد. در کنار این ایوان، پنجره‌ای از برنز نصب شده است و بسیاری از زائران، از پشت این پنجره به ساحت مقدس حضرت رضا (ع) عرض سلام و ادب می‌کنند. از سال ۱۴۰۱ بخشی از این صحن، برای ساخت رواق امیرالمؤمنین (ع) مجزا و گلدسته این صحن با استفاده از ریل جابه‌جا شد. هنوز این پروژه ادامه دارد.



● ساعت خورشیدی این صحن که نوعی قبله‌نمای آفتابی از جنس سنگ مرمر است، به دلیل ساخت و سازها جابه‌جا شده است؛ ساعتی که بخشی از خاطرات کودکی بچه‌های دهه ۷۰ و ۸۰ در حرم، حول آن نقش بسته است. سقاخانه نیز به شیوه‌ای نو و به صورت هشت ضلعی غیرمنظم مقابل ایوان طلا ساخته شده است که عرق چین آبی‌رنگی روی آن قرار دارد.



● در عکسی که مسعود نوذری سال ۱۳۶۵ ثبت کرده است، آیت‌الله... خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت ایران، به همراه آیت‌الله... واعظ طبسی، تولیت فقید، از روند ساخت و ساز در صحن جمهوری بازدید می‌کنند. احداث این صحن در سال ۵۳ آغاز شد و سال ۶۸ به بهره‌برداری رسید.